

شاه عباس

پادشاهی که برای ما افسانه شد

مترجم: امیر همایونی

نویسنده: دیوید بلو

Shah Abbas: The Ruthless King who Became an Iranian Legend

David Blow

شاه عباس: پادشاهی که برای مردمش افسانه شد

نویسنده: دیوید بلو

مترجم: امیر همایونی

طراح جلد: حمیدرضا صادقی علویجه

صفحه آرا: داوود دهقان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۷۲۲-۳

چاپ اول ۱۳۹۳، ۵۰۰ نسخه

اصدا، خیابان محتشم کاشانی، کوچه سپروس جنوبی، کوچه امید، پلاک ۲۴۳ کد پستی: ۸۱۷۵۹۶۴۸۱۴

تلفن: ۰۳۱۳ ۵۴۱۰ پست الکترونیک: amir_homayoni@yahoo.com

هر حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای مترجم محفوظ است.

تشریح سار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در

سیستم‌های بازیافت، بخشیدن بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از مترجم ممنوع است.

این اثر تحت حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران قرار دارد.

سرشناسه: بلو، دیوید / Blow, David

عنوان و نام پدیدآور: شاه عباس: پادشاهی که برای مردمش افسانه شد / مؤلف دیوید بلو؛ مترجم امیر همایونی.

مشخصات نشر: اصفهان: امیر همایونی، ۱۳۹۳. مشخصات ظاهری: ۳۲۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۷۲۲-۳ / موضوع: تاریخ - ایران - شاه عباس - سیرت نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Shah Abbas: the ruthless king who became an Iranian legend

۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۷۲۲-۳

یادداشت: کتاب حاضر با عناوین مختلف توسط ناشرین ترجمین متفاوت منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۲۰ - ۳۲۵.

عنوان دیگر: پادشاهی که برای مردمش افسانه شد.

موضوع: عباس صفوی، اول، شاه ایران، ۹۷۸ - ۱۰۳۸ ق. - موضوع: تاریخ - صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.

موضوع: ایران - شاهان و فرمانروایان - سرگذشتنامه

شناسه افزوده: همایونی، امیر، ۱۳۶۰ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ش ۲۸۵ / DSR1۲۱۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۱۹۷۷۵

فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم
۲	مقدمه نویسنده برای خوانندگان فارسی زبان
۳	پیشگفتار
۵	مقدمه
۱۱	فصل اول: میراث شاه عباس: تولد یک دولت شیعه
۳۳	فصل دوم: کودکی متلاطم و تسخیر قدرت
۵۳	فصل سوم: عباس به سبند قدرت
۷۳	فصل چهارم: بازبینی خراسان از ازبک‌ها
۸۱	فصل پنجم: ماجراجویی انگلیسی در خدمت شاه عباس
۹۷	فصل ششم: ادامه حاکمیت خلیج فارس و رویارویی با عثمانی‌ها
۱۰۹	فصل هفتم: عباس عثمانی را بیرون می‌راند
۱۲۳	فصل هشتم: در جستجوی متحدان اروپایی
۱۴۱	فصل نهم: فشار بر خلیج، تبعیض‌های دستگیر شدگان و قتل پسر
۱۵۷	فصل دهم: تصرف هرمز: یک پیروزی ایرانی-انگلیسی
۱۷۹	فصل یازدهم: آخرین پیروزی‌ها: تصرف قندهار و بغداد
۱۸۷	فصل دوازدهم: کشمکش سفرها
۱۹۵	فصل سیزدهم: هیئت انگلیسی و مرگ عباس
۲۱۱	فصل چهاردهم: عباس، یک مرد و یک شاه
۲۲۳	فصل پانزدهم: دربار شاه عباس
۲۴۳	فصل شانزدهم: اتحاد مسجد و تاج و تخت
۲۵۹	فصل هفدهم: شهری که نصف جهان بود
۲۷۷	فصل هجدهم: شاه تاجر
۲۸۹	فصل نوزدهم: شاه عباس و هنرها
۳۰۳	فصل بیستم: صفویان پس از شاه عباس
۳۲۰	نتیجه گیری
۳۲۷	منابع و مأخذ
۳۳۷	نمایه‌ها



مقدمه‌ی مترجم

تاریخ و زندگانی شخصیت‌های برجسته‌ی ایران خوشبختانه یا متأسفانه به دست خارجی‌ها و عمدتاً اروپاییان نوشته شده است. خوشبختانه از آن جهت، که نگاه دیرپای علمی به رویدادها باعث شده تا در بسیاری از موارد مورخین از تعصبات کور بری بوده باشند و مسائل را با سنگ محک استنباط و استنتاج علمی در قضاوت قرار دهند و متأسفانه از آن روی که به دلیل عدم آشنایی با برخی ویژگی‌های فرهنگی خاص ایران، ناخواسته دچار اشتباهاتی در تفاسیر خود شده‌اند. حال اگر موضوع یا شخصیتی که راجع به آن بحث می‌گردد خود پیچیده و چند لایه باشد، این مشکلات دو چندان می‌گردد و شاه عباس از این دست افراد است.

وقتی متن این کتاب به دستم رسید، با خواندن چندین صفحه به شدت مجذوب آن شدم و با وجود این که آثار خوبی از ایران پریمی در رابطه با شاه عباس به چاپ رسیده و از جمله آنها می‌توان به کتاب سترگ "زندگانی شاه عباس" به قلم استاد نصرالله فلسفی اشاره کرد، لیکن با خود اندیشیدم چنانچه حتی یک نکته بدیع درباره شاه عباس در این کتاب ذکر شده باشد، آنگاه ارزش زحمت ترجمه را دارد. وانگهی از آنجا که من افتخار دارم که در کتاب "هنرمند گردشگری معرف آثار تاریخی ایران و به ویژه شهر زادگاهم اصفهان باشم، گشت و گذار مداوم من در پایتخت شاه عباس توسط شاه عباس نیز خود عامل برانگیزاننده دیگری در من بود.

به هر حال به یاری ایزد توانا این کتاب ترجمه شده ولی در ادامه راه عزیزان و یاران دیگری نیز دست یاری از من دریغ ننمودند که خود را موظف می‌دانم از آنها یاد کنم. چنان آقای دکتر اخضری، صمیمانه و با حوصله مثال زدنی، تمام متن را بدقت خواندند و راهنمایی‌های بسیار خوب و عالمانه‌ای کردند که از این بابت از ایشان سپاسگزارم. بدین خاطر همیشه مدیون این استاد بزرگوار هستم. و به خوبی با تشویقات مستمر همواره پشتیبان من بودند و هر کجا که فشار مسائل روزمره زندگی من پیش از کار ایجاد می‌کرد، ایشان با حمایت‌های معنوی بی دریغ، انرژی تازه‌ای به من می‌بخشیدند. امیدوارم بتوانم قلم آنها را به خوبی بدانم.

در پایان آنکه، می‌دانم این کار نیز به مانند دیگر آثار دست انسان خالی از اشکال و ایراد نیست و عاجزانه از همه فضلا و اهل علم می‌خواهم که با انتقادات و پیشنهادات خود مرا در راهی که در پیش گرفته‌ام یاری و همراهی نمایند.

با سپاس

امیر همایونی

اصفهان



مقدمه‌ی نویسنده برای خوانندگان فارسی زبان

مایلم به امیر همایونی به خاطر ترجمه فوق‌العاده کتاب زندگینامه شاه عباس تبریک بگویم. این کتاب حاصل شیفتگی و علاقه دراز مدت من به ایران و مردمش و بیش از همه به اصفهان و اصفهانی‌هاست و بذل نوشتن آن طی اولین بازدید من از ایران در حدود نیم قرن پیش در ذهنم کاشته شد. من در تابستان سال ۱۹۶۴ به اصفهان رفتم و نه ماه را در آن شهر گذراندم. در این مدت با عده‌ای از دانشجویان پزشکی اهل یزد، خانه‌ای در یک کوچه^۱ واقع در جنوب زاینده رود زندگی می‌کردم. این دوران به طور قطع یکی از شیرین‌ترین آموزنده‌ترین دوران زندگی من بوده است. در آن هنگام جمعیت اصفهان حدود سیصد هزار نفر بود. چیزی معادل نصف جمعیت آن در اواخر عهد صفوی می‌شد. بخش عمده‌ای از سبک زندگی قدیمی همچنان ریشه در گذشته داشت. به ویژه در جاهایی مثل بازار و چایخانه. به یاد دارم که در چایخانه‌ای که اغلب بدان می‌رفتم قالی‌بافان^۲ بودند که به طرز بدیعی داستان‌های شاهنامه فردوسی را با رویدادهای معاصر در هم می‌آمیخت و تعریف می‌کردند. به از این که مرا به او معرفی کردند با خنده و با لحنی طنزآلود گفت: "بله بله پای من نشسته است" و آن‌ها گار ساختمان‌های دوره صفوی و دوره‌های قبل از آن در شهری که بسیار کوچک‌تر از امروز بود همچنان صورت را در دست داشته و بر شهر غالب بودند و در نتیجه، تصور اصفهان بدان صورت که در زمان شاه عباس^۳ جانشینانش بوده، کار چندان مشکلی نبود.

دوره حکومت شاه عباس شاهد اولین تماس‌های محسوس و جدی ایران و انگلستان می‌باشد. این رابطه از زمان ورود برادران شری به پایتخت آن زمان شاه عباس یعنی شهر قزوین در سال ۱۵۹۸ آغاز گردید. یکی از نجیب زادگانی که آنها را همراهی می‌کرد به نام مایلم پری بعدها به یاد می‌آورد که چگونه "شادمان وارد قلمرو پادشاه ایران شدیم و در آنجا از بلا و رنج در این تصور بودیم که گویی به بهشت آمده‌ایم و دیدیم که چه پذیرایی از ما به عمل می‌آورند و مردم چه قدر مهربان و با ادب هستند...". من نیز در اصفهان چنین تجربه‌ای داشتم و دوستان زیادی یافتم که متأثر از نظم و انضباط ایشان قطع شده است. اگر کسی از آنها این کتاب را می‌خواند، دلم می‌خواهد بداند که من هیچ کار را روشن نکرده‌ام.

دیوید بلو

آوریل ۲۰۱۲

۱- کلماتی که به صورت ایتالیک نوشته شده‌اند را خود نویسنده به زبان فارسی اما با حروف لاتین نوشته است. م



پیشگفتار:

علاقه من به شاه عباس به چهل سال پیش بر می گردد، زمانی که در کسوت مرد جوانی که به تازگی از دانشگاه فارغ التحصیل شده بود، بهترین بخش سال را در پایتخت او، اصفهان گذراندم. در آن زمان، یعنی در ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی (دهه ۱۳۸۰ ه.ق و ۱۳۴۰ ه.ش)، جمعیت این شهر به سختی به اندازه روزهای حکومت شاه عباس می رسید و به طور محسوسی کمتر از جمعیت آن در قرن هفدهم میلادی بود. این همان دوره است که به نظر عموم جمعیت شهر بالغ بر ششصد هزار نفر می شد و آن را یکی از پر جمعیت ترین شهرهای جهان ساخته بود. شهر در دهه ۱۹۷۰ میلادی (دهه ۱۳۹۰ ه.ق و ۱۳۵۰ ه.ش) مجدداً به همین میزان جمعیت رسید و بعد از آن به سرعت از این میزان فراتر رفت. اما علیرغم همه تغییرات بوجود آمده همچنان می توان از میراث مرکزی بزرگی که بدست شاه عباس ساخته شد قدم زد و چیزی از حضور او و دنیایی که او در آن می زیسته احساس کرد.

این کتاب نظر خواننده را به یک چهره کلیدی و یک برهه حیاتی در تاریخ ایران، کشوری که در آن زمان همچون امروز از اهمیت والا برخوردار بوده است، جلب می نماید و تا حد زیادی مرهون تعداد بی شماری از تحقیقات عالمانه است که به طرز فزاینده در سه یا چهار دهه پیش انجام گرفته و فهم ما را به طرز قابل توجهی نه تنها نسبت به سده شانزدهم، بلکه نسبت به کل دوره صفوی گسترش داده اند.

منبع تاریخی اصلی من، تاریخ عالم آرای عباسی بوده است که توسط وقایع نگار رسمی او اسکندر بیگ منشی (۱۵۶۰-۱۶۳۲م؛ ۹۶۷-۱۰۴۱ ه.ق؛ ۹۳۹-۱۰۱۱ ه.ش) نوشته شده و تمام دوره حکومت شاه عباس را در بر می گیرد. اسکندر بیگ، منشی بایگانی و چنانچه عنوان منشی شاه می دهد، اغلب با شاه عباس همراه بوده است؛ از جمله زمانی که شاه عباس به جنگ می رفت و بنابراین شاید بسیاری از وقایعی می باشد که شرح می دهد. رویداد نامه او گرچه ماهیت رسمی دارد، اما همچنان با فاصله زمانی کمترین منبع ایرانی به شمار می رود. همچنین اسکندر بیگ یکی از ویژگی های اصلی یک تاریخ نگار معتبر است؛ او از این جهت که می کوشد علل وقایع را بفهمد و دریابد چرا افراد کاری را انجام داده اند، حتی آن را از شکل زبانانی که قادر به خواندن فارسی هستند نیز باید ممنون پرفسور راجر سیوری^۱ باشند که این رویداد نامه ارزشمند را به انگلیسی ترجمه کرد.

اما در حقیقت این منابع اروپایی هستند که نوشتن زندگی نامه شاه عباس را ممکن ساخته اند. اروپاییان کمی قبل از حکومت او از ایران دیدار کرده بودند. اما از زمان او تا سقوط امپراطوری صفوی در ۱۷۲۲ میلادی (۱۱۸۶ ه.ق-۱۱۵۱ ه.ش)، به دلایلی که توضیح داده خواهد شد، جریان مستمری از بازدید کنندگان اروپایی بوجود آمد. تعدادی از آنان به دربار و شخص شاه دسترسی داشتند و برداشت های ارزشمندی از



تجربیاتشان برجای گذاشته‌اند. اما هیچ یک از پادشاهان صفوی کامل‌تر و عمیق‌تر از شاه عباس توصیف نشده و اعمال و سیاست‌هایشان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. این برداشت‌های اروپاییان امکان ترسیم چهره کامل‌تری از شاه عباس نسبت به هر حکمران قبلی ایران را می‌دهد. آنها چگونگی رفتار و گفتار او در شرایط مختلف را به ما نشان می‌دهند. به عنوان نمونه در میهمانی‌ای در یکی از کاخ‌هایش؛ به حال استراحت در یکی از قهوه‌خانه‌های اصفهان در نیمه‌های شب؛ تدارک کباب با راهبان کاتولیک رومی و شرکت در مباحثه‌ای عمومی با فرستاده سلطان عثمانی. آنها همچنین اطلاعات بسیار زیادی در رابطه با تقریباً همه جنبه‌های زندگی در ایران عصر صفوی را ارائه نموده‌اند، اطلاعاتی که در هیچ یک از رویداد نامه‌های ایرانی هم عموماً پیدا نمی‌شود. اگرچه من عمدتاً از برداشت‌های اروپاییانی که در دوره زمامداری شاه عباس از ایران بازدید کرده‌اند استفاده نموده‌ام، معیناً از برداشت‌های مربوط به دوره‌های بعدی سلسله صفوی و سده‌هایی که مرتبط بوده استفاده کرده‌ام.

به خاطر کمک در نوشتن این کتاب مایلم از ویراستار انتشارات آی.بی. تائوریس^۱، خانم لیز فرند-اسمیت^۲ به خاطر اشتیاق و تشویق مستمر و نظرات سودمند در طی جریان کار، از جان گورنی^۳ و سندی مورتن^۴ به خاطر آمادگی در پاسخ‌گویی به سؤالاتم، آنتونی تایلر^۵ به خاطر نقدهای ارزشمند بر روی پیش نویس‌های اولیه برخی از فصول کتاب، و دوستان کتابخانه مدرسه مطالعات شرقی-آفریقایی، کتابخانه بریتانیا و کتابخانه لندن، تشکر ویژه‌ای بکنم. اما همان‌که مرسوم و صحیح است باید بگویم مسئولیت آنچه نوشته‌ام تنها بر عهده خودم است و بس.

دیوید بلو

^۱ - I.B. Tauris
^۲ - Liz Friend-Smith
^۳ - John Gurney
^۴ - Sandy Morton
^۵ - Antony Tyler



مقدمه

شاه عباس حاکم برجسته و روشنفکر ایران زمین است. او بر نیروهای جدایی طلب فتودالی، که کشور را تکه پاره کرده بودند چیره شد و پادشاهی مرکزی نیرومندی را بوجود آورد. او با تأمین امنیت، پول ثابت و زیر ساخت اقتصادی بسیار پیشرفته، اقتصاد در حال فروپاشی ایران را جانی دوباره بخشید و به دلایل تجاری و راهبردی و نیز به دلیل آینده نگری و مبرا بودن از تعصبات کور مذهبی، روابط گسترده با اروپای مسیحی را برپا می نمود. او با ترویج هنرهای بصری، پیش زمینه مناسبی برای حکمرانی در پایتخت شکوهمند، اصفهان، بوجود آورد و همچنین برترین نیروی نظامی زمان خود یعنی امپراطوری عثمانی را به چالش کشید و آن را شکست داد.

دستاوردهای سیاسی و نظامی خوب لقب کبیر را که در ایران به او داده اند توجیه می کند. در حقیقت او تنها پادشاه ایران در دوره سلاطین است که به چنین عنوانی آراسته شده و همین او را در کنار کوروش کبیر بنیانگذار اولین امپراطوری ایران در بیستمین جشنم قبل از میلاد قرار می دهد (۱). امپراطوری که کوروش بنا نهاد یادآور وجود ایران به عنوان یک سیستم یکپارچه هزار و دویست سال پیش از تسخیر شدن توسط اعراب در اواسط قرن هفتم میلادی می باشد. حکمرانی بزرگ دیگری که هم عصر شاه عباس بودند عبارتند از: اکبر امپراطور مغول در هند، ملکه الیزابت اول در انگلستان، هنری چهارم در فرانسه و فیلیپ دوم در اسپانیا؛ و شاه عباس به راستی یک سر و گردن از همه آنها بالاتر بود.

با وجود همه آنچه در بالا آمد، تاکنون هیچ کتابی درباره زندگی شاه عباس به زبان انگلیسی تالیف نشده بود (۲). این کتاب می کوشد تا نشان دهد شاه عباس نه تنها برای ایران و جهان اسلام اهمیت ویژه ای دارد، بلکه به عنوان بخشی از تاریخ اروپا حائز اهمیت بوده و به خودی خود نیز شخصیت جالبی دارد. به علاوه برخی از رویدادهای دوران حکومت شاه عباس ارتباط آشکاری با وقایع سرنوشت ساز اروپا به عنوان مثال این رویدادها، رقابت و تنش بین دو شاخه اصلی دین اسلام یعنی شیعه و سنی، سیر دین اسلام به سوی سقوت ساز پادشاهی و روحانیت شیعه که سرانجام با وقوع انقلاب اسلامی به سقوط نظام شاهنشاهی در ایران انجامید را روشن می سازد.

شاه عباس پنجمین فرمانروای سلسله صفوی بود که در سال ۱۵۰۱ (۹۰۶ ه.ق - ۸۸۰ ه.ش) تأسیس شد. این سلسله برای اولین بار بعد از حمله اعراب، ایران را در محدوده قلمرو تاریخی خود یکپارچه ساخت و اسلام شیعه را دین رسمی کشور اعلام نمود، که از آن زمان این کشور به عنوان کشوری شیعی شناخته می شود. درک مسائل پیش روی شاه عباس بدون دانستن وقایع رخ داده بین ۱۵۰۱ تا ۱۵۷۸ (۹۰۶ تا ۹۸۶ ه.ق؛ ۸۸۰ تا ۹۵۷ ه.ش) یعنی زمانی که او در سن هفده سالگی در پی یک کودتا بر تخت نشاند، غیر ممکن است. این مسئله در دو فصل اول کتاب که به تولد و بزرگ شدن عباس نیز می پردازند، مورد بررسی قرار گرفته است.



مقدمه

شاه عباس حاکم برجسته و روشنفکر ایران زمین است. او بر نیروهای جدایی طلب فئودالی، که کشور را تکه پاره کرده بودند چیره شد و پادشاهی مرکزی نیرومندی را بوجود آورد. او با تأمین امنیت، پول ثابت و زیر ساخت اقتصادی بسیار پیشرفته، اقتصاد در حال فروپاشی ایران را جانی دوباره بخشید و به دلایل تجاری راهبندی و نیز به دلیل آینده نگری و مبرا بودن از تعصبات کور مذهبی، روابط گسترده با اروپای مسیحی را برپا می نمود. او با ترویج هنرهای بصری، پیش زمینه مناسبی برای حکمرانی در پایتخت شکوهمند، اصفهان، بوجود آورد و همچنین برترین نیروی نظامی زمان خود یعنی امپراطوری عثمانی را به چالش کشید و آن را شکست داد.

دستاوردهای شاه عباس لقب کبیر را که در ایران به او داده اند توجیه می کند. در حقیقت او تنها پادشاه ایران در دوره اسلام است که به چنین عنوانی آراسته شده و همین او را در کنار کوروش کبیر بنیانگذار اولین امپراطوری ایران در رتبه ششم قبل از میلاد قرار می دهد (۱). امپراطوری که کوروش بنا نهاد یادآور وجود ایران به عنوان یک سرزمین یکپارچه و دویست سال پیش از تسخیر شدن توسط اعراب در اواسط قرن هفتم میلادی می باشد. یکمیز بزرگ دیگری که هم عصر شاه عباس بودند عبارتند از: اکبر امپراطور مغول در هند، ملکه الیزابت اول در انگلستان، هنری چهارم در فرانسه و فیلیپ دوم در اسپانیا؛ و شاه عباس به راستی یک سر و گردن از همه آنها بزرگتر بود.

با وجود همه آنچه در بالا آمد، تاکنون هیچ کتابی درباره زندگی شاه عباس به زبان انگلیسی تالیف نشده بود (۲). این کتاب می کوشد تا نشان دهد شاه عباس نه تنها در ایران و جهان اسلام اهمیت ویژه ای دارد، بلکه به عنوان بخشی از تاریخ اروپا حائز اهمیت بوده و به خودی خود نیز شخصیت جالبی دارد. به علاوه برخی از رویدادهای دوران حکومت شاه عباس ارتباط آشکاری با وقایع مهم اروپا دارند. به عنوان مثال این رویدادها، رقابت و تنش بین دو شاخه اصلی دین اسلام یعنی شیعه و سنی نیز نقطه سبب سبب ساز پادشاهی و روحانیت شیعه که سرانجام با وقوع انقلاب اسلامی به سقوط نظام شاهنشاهی در ایران انجامید را روشن می سازد.

شاه عباس پنجمین فرمانروای سلسله صفوی بود که در سال ۱۵۰۱ (۹۰۶ ه.ق - ۸۸۰ ه.ش) تأسیس شد. این سلسله برای اولین بار بعد از حمله اعراب، ایران را در محدوده قلمرو تاریخی خود یکپارچه ساخت و اسلام شیعه را دین رسمی کشور اعلام نمود، که از آن زمان این کشور به عنوان کشوری شیعی شناخته می شود. درک مسائل پیش روی شاه عباس بدون دانستن وقایع رخ داده بین ۱۵۰۱ تا ۱۵۷۸ (۹۰۶ تا ۹۸۶ ه.ق؛ ۸۸۰ تا ۹۵۷ ه.ش) یعنی زمانی که او در سن هفده سالگی در پی یک کودتا بر تخت نشاند، غیر ممکن است. این مسئله در دو فصل اول کتاب که به تولد و بزرگ شدن عباس نیز می پردازند، مورد بررسی قرار گرفته است.



این زمان دوره متلاطمی از دگرگونی‌های شدید سیاسی - مذهبی و جنگ‌های داخلی و خارجی است که در طی آن یک حکومت مذهبی جدید در ایران شکل گرفت که مشروعیت خود را از طریق ترکیبی از شیعه گری و تصوف عارفانه بدست می‌آورد. فرمانروای صفوی یا همان شاه، توسط پیروانش الهی محسوب می‌شد، در حالیکه حکومت، مورد پشتیبانی نظامی قبایل ترکمان بود. قبایلی که به نوعی از گویش ترکی وابسته می‌کردند و مهارت‌های اجرایی کهن جمعیت بومی ایران را نیز داشتند. این ایران شیعه‌ی پویا و موعظه‌ی کوتاه زمانی قبل از آن که توسط قدرت‌های سنی مسلک متخاصم در کناره مرزهایش به حالت دفاعی و بی‌ایمانی در برابر اسلام را تهدید به غلبه می‌کرد. این قدرت‌ها، امپراطوری ترک تبار عثمانی در غرب و خان‌ها و پادشاهان آسیای مرکزی در شرق بودند. در همین حال هر گاه کشور دارای پادشاهی ضعیف یا کم سن و سال بود، داخلی در معرض تجزیه توسط قبایل ترکمانی قرار می‌گرفت که هر کدام برای تفوق بر دیگری می‌جنگیدند. اینها بودی هستند که پیش زمینه جوانی عباس را بوجود می‌آورند که در فصل دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این زمان او شاهد قتل بسیاری از بستگان خود به دستور عمومی تاجدار نیمه دیوانه‌اش بود. مادر و برادر بزرگترش به دست رؤسای در حال جنگ قبایل کشته شده و بخش‌های عظیمی از کشور به اشغال نیروهای بیگانه و ترک در آمده بود. نبود هرگونه قانون روشن جانشینی، رؤسای قبایل را قادر می‌ساخت که از فرزندان صفوی به عنوان ملعبه در دعوای خود بر سر قدرت استفاده نمایند. این فصل با قرار دادن عباس در میان بهای پدرش در یک کودتا توسط یکی از همین جنگ سالاران به پایان می‌رسد.

فصل‌های بعدی نشان دهنده راه حل‌ها و بیرحمی‌های اعدام عباس جوان برای غلبه بر این چالش‌های عمده و حفظ موجودیت کشور می‌باشند. در این فصل‌ها، علیرضا مفضل راجع به اعدام‌های فوری، سرکوب قاطعانه شورشیان و اصلاحات نظامی و مدیریتی بحث می‌کند که هرچ و مرج داخلی پایان داده و حکومت مرکزی قدرتمندی را بوجود آوردند. همچنین در این فصول، به بیان می‌شود که عباس چگونه در یک رشته مبارزات، در ابتدا بر علیه اذیک‌ها و سپس عثمانی‌ها، کشور را به اشغال بیگانگان خارج کرد. درگیری با عثمانی‌ها شاه عباس را مصمم به ایجاد رابطه با اروپا نمود و این در حقیقت یکی از مضامین اصلی کتاب است. هدف اولیه از این کار عملیات نظامی هماهنگ علیه دشمن مشترک بود. این امر هرگز محقق نگردید و عباس نسبت به هابسبورگ‌های اتریش و اسپانیا که بیشترین امید را به آنها بسته بود، بسیار سرخورده شد. با تشویق او ارتباطات با اروپا خیلی سریع به روابط تجاری و دیگر زمینه‌ها توسعه

۱- خاندان سلطنتی مهمی در اروپا که بین سال‌های ۱۲۷۸ تا ۱۹۱۸ بر اتریش و از ۱۵۱۶ تا ۱۷۰۰ بر اسپانیا حکومت می‌کردند. م



یافت. حضور طولانی و بحث برانگیز بریتانیایی‌ها در ایران در دوره حکومت او آغاز شد، یعنی زمانی که او امتیاز ویژه تجارت به کمپانی هند شرقی انگلیس داد و در عوض آنها را قانع کرد که کشتی‌های جنگی را که برای تسخیر جزیره هرمز نیاز داشت در اختیار او قرار دهند. این جزیره، بندرگاه و مرکز تجاری مهمی در دهانه خلیج فارس بود که در اشغال پرتغالی‌ها قرار داشت. این کمپانی با یک وقفه کوتاه تا زمان اضمحلال در سال ۱۷۰۰، نوزدهم به فعالیت خود در ایران ادامه داد. البته عباس امتیازات ویژه مشابهی در بیشتر قرن هفدهم به کمپانی هند شرقی هلند نیز داد و همین آنها را تبدیل به شریک تجاری اروپایی غالب نمود. در عین حال استقبال رسمی عباس از اروپاییان، نظم و رونق کشور، جذب دربار و پایتخت تحسین برانگیز جدید او، تاجران، مسافران، مذهبیان، سودوران، هنرمندان، صنعت گران و مسافران زیادی را از اروپا به سوی خود کشید. از میان همه آنها، آن‌ها همان اروپایی بودند که احتمالاً ماندگارترین تأثیر را داشتند و به تدریج سبک نقاشی سنتی ایران را کنار دادند. شاه عباس اروپاییان را وادار کرد که به ایران و پادشاه آن توجه کنند، کاری که از روزگار باستان هرگز انجام نشده بود. با اینحال آنان کشور را همچنان با نامی که از زمان یونان باستان برای آن می‌شناختند، یعنی «پرشیا» نامیدند. اما از سوی دیگر حکمران آن را «صوفی» می‌خواندند که صورت اشتباه خاندان شاه عباس یعنی صوفی است. از زمان حکومت شاه عباس به بعد اشاره به پرشیا و صوفی در ادبیات اروپا رایج شد. یکی از اولین اشارات در نمایشنامه شب دوازدهم شکسپیر دیده می‌شود، که در آن یکی از شخصیت‌ها به نام فایز، پادشاه و حرارت فریاد می‌زند "من نقش خود در این سرگرمی را با مستمری که صوفی به هزاران نفر می‌دهد عوض نخواهم کرد!" این نمایشنامه در ۱۶۰۲ (۱۰۱۰ هـ. ق - ۹۸۱ هـ. ش) یعنی چند سال بعد از پذیرایی گرم عباس از ماجراجوی انگلیسی به نام‌های آنتونی و رابرت شرلی که به خاطر گزارش‌های مربوط به دست و دل بازی و سمسم به رفتن به ایران شدند، نوشته شد. البته به نظر می‌رسد که در این مورد آنها ناامید شده باشند زیرا عموماً داشتند که ثروت‌های پرشیا بر آنها خواهد بارید.

فضای قابل توجهی به تبادلات دیپلماتیک بین شاه عباس و قدرت‌های مختلف اروپایی نظیر اسپانیا، پرتغال، واتیکان، اتریش و انگلستان اختصاص یافته است، اما نه تنها به این علت که از دیدگاه اروپایی اهمیت دارد، بلکه از جهت این که نشان دهنده نقش عباس در رو به جلو بردن و دفاع از منافع کشورش است. اروپاییان جدای از درگیری او با عثمانی‌ها که بیشتر وقت او را گرفت، به دو مقوله مهم مورد توجه او نیز مرتبط می‌شدند. یکی از این دو موضوع اعلام حاکمیت او بر سواحل خلیج فارس است که بیشتر حاکمان مسلمان ایران پیش از او توجه کمی بدان نموده و در عوض بر مرکز و شمال کشور متمرکز شده



بودند و دیگری تمایل شدید عباس برای توسعه تجارت خارجی و کسب حداکثر سود ممکن از صادرات ارزشمندترین کالای صادراتی ایران یعنی ابریشم خام بود.

من به ارزش تاریخ روایی باور کامل دارم، هم به دلیل این که یک داستان خوب ارزش تعریف کردن را دارد و هم این که هر نوع عملی را می‌توان به خوبی در چارچوب روایی درک کرد. به همین دلایل ترجیح می‌دهم روایت را با بحث بر روی جنبه‌ها و ویژگی‌های مهم حکومت شاه عباس دچار وقفه نکنم و در عوض راجع به آن موضوع در فصل مربوطه به طور مفصل بحث نمایم.

داستان این که عباس چگونه ایران را از تجزیه داخلی و اشغال خارجی نجات داد؛ به آن نظم، رونق و حکومت خوب و در لحاظ استحکام حکومت و هم از لحاظ مشروعیت خود به عنوان پادشاه داد؛ و اینکه چگونه او روابط گسترده با اروپاییان برقرار نمود همه از اهمیت بالایی برخوردارند و در واقع آنقدر مهم هستند که موقعیت او را می‌توان به‌راستی به‌عنوان شاه‌ای افسانه‌ای توجیه کنند. اما آنچه به افسانه لباسی از گوشت و خون می‌پوشاند و جذبه افزونی بر سر می‌خشد شخصیت پیچیده و متنوع خود شاه عباس است، با آن بیان تحریک کننده، کنجکاوی بی‌پایان، افتخار بیش از حد به چشمتی که شخص تنها می‌تواند آن را تحت عنوان نقش بازی فوق‌العاده او تفسیر کند. همه اینها باعث می‌شود که به سختی بتوان فهمید در ذهن او چه می‌گذرد. او شخصیت گیرایی است که در بیشتر موارد همراه بسیار خوبی خواهد بود، البته تا زمانی که فرد بتواند همپای او قدم بردارد، چرا که به نظر می‌رسد او هیچگاه غلبه نسبت به کسی نخواهد به رختخواب برود. با این حال وقتی تصمیم می‌گیرد سر یک اسیر ترک را در حضور یک هیئت مجیر و هراسان اروپایی بزند، کمتر خوشایند به نظر می‌رسد. او در رسیدن به اهدافش کاملاً بی‌رحم بود و به خود را ترسناک جلوه می‌داد تا اطاعت بی‌چون و چرا را حتمی سازد. او در از بین بردن افرادی که می‌پنداشت تهدیدی برایش محسوب می‌شوند تردیدی به دل راه نمی‌داد و اغلب شورش‌ها را با خشونت و وحشیگری به اندازه سرکوب می‌کرد، یکی از نمونه‌های برجسته آن شورش گرجستان است. او همچنین دچار شکاکیت و حسادت بود که او را به سمت کشتن پسر ارشد و کور کردن دو پسر دیگرش سوق داد. در رابطه با پسر ارشد، بلافاصله چهار پشیمانی‌ای شد که حالت‌های مالیخولیایی عمیقی در او بوجود آورد. روی هم رفته او به قول وقایع نگار اصلی دربارش، اسکندر بیگ منشی، مرد تناقضات بود.



یادداشت‌ها

۱. بعضی‌ها ممکن است این افتخار را متعلق به مادها بدانند. اما امپراطوری آنها که توسط کوروش بزرگ به ارث برده شد، عمر کوتاهی داشت و قلمروش محدودتر از هخامنشیان بود.
۲. تا آنجا که من می‌دانم، قبل از نگارش این کتاب تنها دو زندگینامه از شاه عباس به زبان‌های اروپایی وجود داشت و آن هر دو نیز به زبان فرانسوی بودند. یکی در سال ۱۹۳۲ و دیگری در سال ۱۹۹۸ چاپ شده است.

www.ketab.ir